

ذره بین

پیدا و پنهان کشف یک جسد در ارتفاعات یافته لرستان

۱۰۰ عملیات برای یافتن نشانه‌ای از دکتر

تصور می‌کردند که بعد از سه ماه پرونده به نتیجه رسیده است؛ جسدی در میان کوه‌های «یافته» پیدا شده است. رفتند تا جسد دکتر را شناسایی کنند. مرد هشتاد ساله‌ای که سه ماه پیش به طرز مرموزی در ارتفاعات لرستان گم شد و دیگر هیچ اثری از او یافت نشد.

حالا اما جست‌وجوگران جسدی در میان کوه‌ها پیدا کرده‌اند که تصور می‌شود متعلق به دکتر است. اما خانواده‌اش پس از مشاهده و بررسی جسد اعلام کردند که متعلق به دکتر سلیمان برزویه نیست. خبری که روی سایت‌ها دست به دست می‌چرخید، از سوی خانواده برزویه رد شد.

مرد میانسال سه ماه پیش یک روز صبح زود به قصد کوهنوردی از خانه‌اش خارج شد. کاری که تقریباً هر روز با هر هفته آن را انجام می‌داد. او به تمام ارتفاعات منطقه لرستان آشنایی داشت. کوهنوردی ورزش مورد علاقه او بود اما از همان روز شوم، دکتر سلیمان برزویه رفت و دیگر برنگشت؛ هیچ اثر و نشانه‌ای از او یافت نشد. بیش از ۱۵۰ نیروی امدادگر در بیشتر از ۱۰۰ مأموریت نتوانستند حتی ردی از این مرد سرشناس در محله‌شان پیدا کنند.

صبح روز جمعه اما جسدی پیدا شد که احتمال می‌رفت متعلق به سلیمان برزویه باشد بلافاصله نیروهای هلال احمر لرستان راهی محل شدند. محلی که به گفته امدادگران بسیار صعب‌العبور و سخت بود. همزمان خانواده این مرد نیز در جریان قرار گرفتند و به محل رفتند. جسد با سختی زیاد به پایین منتقل شد و خانواده‌اش بعد از دیدن آن اعلام کردند که متعلق به دکتر برزویه نیست. همسر این مرد در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار «شهرود» گفت: «در این مدت سختی‌های زیادی کشیدیم. از روزی که سلیمان رفت، حتی یک روز خوش هم نداریم. امروز به ما گفتند که به احتمال زیاد جسد او را پیدا کرده‌اند، به محل رفتیم و جسد را دیدیم. از روی چهره و ظاهر فهمیدیم که متعلق به دکتر نیست. هر چند که جسد کاملاً متلاشی شده بود ولی ما فهمیدیم که متعلق به سلیمان نیست. سلیمان داند نپزشک بود و به کوهنوردی علاقه زیادی داشت. سه ماه پیش رفت و دیگر برنگشت. در این مدت نیروهای هلال احمر عملیات زیادی انجام دادند و هر بار هم که ما از آنها کمک خواستیم، بی‌دریغ انجام دادند؛ ولی فایده‌ای نداشت و هیچ اثری از سلیمان نیست.»

صام رضایی، مدیر هلال لرستان، درباره جزئیات این ماجرا به «شهرود» گفت: «از سه ماه پیش که این مرد گم شد، نیروهای ما تمام تلاش‌شان را کردند. همچنین نیروهای پلیس نیز همزمان تحقیقات خود را آغاز کردند. براساس بررسی دوربین‌های مدار بسته و همچنین پرس‌وجو از مردم محلی مشخص شد که این مرد تا سر ارتفاعات ملشبان یعنی بیست کیلومتری خرم‌آباد رفته بود. بعد از آن دیگر کسی او را ندیده بود. در این مدت بیش از ۱۰۰ عملیات در این زمینه انجام شد. بیشتر از ۱۵۰ نیروی امدادگر به همراه نیروهای کوهنوردی و مردم محلی به جست‌وجوی این مرد پرداختند. مناطق بسیار صعب‌العبور و سختی را جست‌وجو کردند ولی هیچ فایده‌ای نداشت تا اینکه یکسری کوهنورد در آن منطقه یعنی در ارتفاعات یافته، جسد متلاشی‌شده مردی را یافتند و بلافاصله با نیروهای ما تماس گرفتند. نیروهای ما هم به همراه خانواده راهی محل شدند تا جسد را شناسایی کنند.»

عزیزعلی امرایی، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر لرستان، نیز در این زمینه به «شهرود» گفت: «جسد را به سختی پایین آوردیم. جسد در منطقه‌ای بود که نیروها باید با گرفتن سنگ بالا می‌رفتند. خانواده‌اش نیز جسد را دیدند ولی اعلام کردند که متعلق به دکتر برزویه نیست. آنها در پیامی به من گفتند: «از اینکه دلنگنی و نگرانی و مشکلات ما تا این حد بر دوش تان سنگینی می‌کند متأسفیم و از همدردی و همدلی و تلاش تان برای روشن شدن سرنوشت همسر و پدرمان سپاسگزاریم. از اینکه ما اولین نفری بودیم که به وسیله شما در جریان پیدا شدن جسدی در کوه یافته قرار گرفتیم بی‌نهایت متشکریم و از صداقت و زحمات جنابعالی و همه همکاران عزیزتان قدردانی می‌کنیم. امیدواریم رنج‌های شما به ثمر بنشینند و به‌زودی نگرانی ما هم رفع شود. اما جنازه واقع در یافته متعلق به دکتر نبود.» با این حال با وجود اظهارات خانواده دکتر برزویه ولی باز هم بررسی‌ها در خصوص این جسد و مطابقت آن با دکتر همچنان ادامه خواهد داشت.»



حال حاضر پرونده در دادسرا در حال پیگیری است و گفته می‌شود که قاضی در حال تحقیق از مریدان این موسسه خیریه است تا تحقیقات این پرونده تکمیل شود.»

نیاز به مربیان متخصص

مدیرعامل انجمن اوتیسم ایران از مشکلات نگهداری از بیماران اوتیسمی در ایران می‌گوید و خواستار رسیدگی بیشتر از دولت در این زمینه است: «رسیدگی به بیماران اوتیسمی بسیار سخت و تخصصی است؛ یعنی مربیان باید آموزش خاصی دیده و بلند باشند که با بیمار اوتیسمی چطور برخورد کنند. برخی از بیماران اوتیسمی هوش بالایی دارند؛ یعنی می‌دانند که در مواقع خطر چطور رفتار کنند، عملکردهای بالایی دارند. آموزش پذیرند و کلام دارند. همچنین ترس از خطر را متوجه می‌شوند ولی برخی از بیماران اوتیسمی هستند که عملکردی پایین دارند. توان درک از خطر را ندارند. برای همین باید کنار این افراد مربیانی آموزش دیده و تخصصی باشند تا بتوانند در شرایط مختلف از آنها مراقبت کنند. مراکزی که نگهداری از بیماران اوتیسم را عده‌دار می‌شوند باید استانداردهای ویژه برای نگهداری داشته باشند تا شاهد حوادث اینچنینی نباشیم چون در حالت عادی حتی برای افراد معمولی هم ممکن است حادثه پیش بیاید؛ چه برسد به این بچه‌هایی که نمی‌توانند از خود مراقبت کنند. برای همین قطعاً باید تعداد مربیان کافی باشند؛ مربیان آموزش حداقلی هلال احمری دیده باشند و کیف کمک‌های اولیه نیز به اندازه کافی همراه‌شان باشد. بعد از رعایت همه این موارد اقدام به برگزاری اردو کنند. امدار کل در کشور ما جای خالی مربیان متخصص به اندازه کافی دیده می‌شود. به نظر من برای خانواده‌هایی که کودکان اوتیسم دارند، یک مربی متخصص نیاز است تا به کودکان اینچنینی در همان ابتدای بچگی آموزش‌های لازم را بدهند تا در آینده بتوانند در مواقع بحران بهتر رفتار کنند.»

تحقیقات از مربیان موسسه

صالح غفاری درباره علت این حادثه نیز اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «هنوز علت دقیق این آتش‌سوزی مشخص نیست ولی عده‌ای می‌گویند که نقص از سیستم‌های ایمنی است. اردوگاه بوده است؛ اما هنوز هیچ چیز مشخص نیست. در

جزئیات حادثه آتش‌سوزی در اردوگاه شهید باهنر که منجر به مرگ یک بیمار اوتیسمی شد

داستان فرار آریین به پناهگاه مرگ

«سیمافراهانی آریین ترسیده بود نمی‌دانست باید به کجا پناه ببرد. آتش هر لحظه به او نزدیک‌تر می‌شد مغزش فرمانی برای فرار صادر نکرد. آریین به زیر تختش پناه برد و همانجا نفس‌هایش به شماره افتاد. در آن مهلکه آتش و دود زیر تخت ماند. در نهایت جاننش را از دست داد و به تنها قربانی این حادثه تلخ تبدیل شد. پسر بیست و پنج ساله‌ای که از بیماری اوتیسم رنج می‌برد به اردوگاه شهید باهنر آمده بود تا دوروزی تفریح کنند اما تفریح‌گاهش به قتل‌گاه او تبدیل شد و حالا هنوز مشخص نیست که علت دقیق این حادثه چه بوده است. حادثه‌ای که به مرگ یک بیمار اوتیسم و زخمی شدن یک بیمار دیگر منجر شد. کامیار همان بیماری است که حالا ۷۸ درصد سوختگی راهی بیمارستان شده است.

فاجعه هنگام استراحت

ساعت ۱۵ روز پنجشنبه بود که حریق در اردوگاه شهید باهنر در محدوده تجریش تهران به یک فاجعه تلخ و دردناک ختم شد. حریق که در یکی از سوپیت‌های این اردوگاه رخ داد. اردوگاهی که میهمانان آن گروهی از بچه‌های اوتیسم بودند؛ پسران بالای ۱۵ سالگی که با مربیان خود برای اردو به این محل رفته بودند. این افراد با مربی‌های خود مجموعاً ۱۵ نفر بودند اما پس از وقوع انفجار و آتشی که دلپیش‌هنوز مشخص نیست، همه چیز به هم خورد؛ حریق جان یک نفر را گرفت و یک پسر شانزده ساله را نیز با سوختگی ۷۰ درصد راهی بیمارستان شهید مطهری کرد. عوامل اورژانس بقیه افراد را اکسیژن‌تراپی کردند و اقدامات لازم برای آنها انجام شد. در مجموع پنج دستگاه آمبولانس و یک دستگاه موتورولانس به همراه مدیر جان‌شیرین اورژانس تهران به این حادثه اعزام شدند. محل آتش‌سوزی یک مرکز پذیرایی و اقامتی در حدود ۴۰۰ متر بود که در بخشی از آن ساختمان یک طبقه یعنی در یکی از اتاق‌های این ساختمان که حالت خوابگاه داشت حریق رخ داده بود. به گفته شاهدان اولیه حدود ۱۵ نفری که در آن حضور داشتند از افرادی بودند که بیمار بودند. افراد حاضر در محل تقریباً پیش از رسیدن اورژانس این افراد را خارج کرده بودند. زمانی که آتش نشانان به محل رسیدند یک پسر نوجوان حدوداً شانزده ساله دچار سوختگی شده بود که به عوامل اورژانس تحویل داده شد. آتش نشانان بلافاصله پس از رسیدن به محل به داخل اتاق نفوذ کردند و متوجه شدند که یک نفر در همان اتاق که دچار آتش‌سوزی شده حضور دارد و به سرعت این فرد را که پسر سی‌و پنج ساله بود خارج کردند و به عوامل اورژانس تحویل دادند اما با وجود تلاش نیروهای اورژانس مشخص شد که این فرد جان خود را از دست داده است. در نهایت آتش خاموش شد و از گسترش بیشتر جلوگیری شد.

علت‌نا مشخص

هنوز مشخص نیست که این آتش چطور شعله‌ور شده و حتی مقصران این حادثه نیز اعلام نشده‌اند. با این

گزارش «شهرود» از موتورسوارانی که در صدر آمار تصادفات مرگبار تهران قرار دارند

ویراژ مرگ در پایتخت

در کشور ما حوادث جاده‌ای یکی از علل عمده مرگ‌ومیر را تشکیل می‌دهند که بخش عمده‌ای از قربانیان این حوادث موتورسیکلت‌سواران هستند. سهم موتورسواران از کل متوفیان تصادفات ۶ ماهه اخیر، ۴۷ درصد است. آمار یازدهم آوریل ۲۰۱۹ را در نظر بگیرید. پس از موتورسواران، این‌عابار پیاده‌هستند که با ۳۸ درصد راننده‌ها و سرنشین خودرو ۱۵ درصد آمار کشته‌های تصادفات پایتخت را به خود اختصاص داده‌اند. آمار که صبح جمعه رئیس ادار تصادفات پلیس راهور اعلام کرد. این آمار نشان می‌دهد معیار بزرگراهی شهر تهران قتلگاه این تصادفات بوده است. ۶۰ درصد کشته‌های حوادث موتوری در بزرگراه‌های آزادگان امام‌علی (ع) و فتح‌خ‌زاده است. به گفته مومنی، بیشترین تصادفات فوتی در منطقه ۴ شهرداری تهران با ۱۱ درصد از کل متوفیان، منطقه ۱۵ شهرداری ۹ درصد و منطقه ۱۹ شهرداری ۸ درصد از کل متوفیان را داشته است.

رعایت نکردن قوانین و مقررات رانندگی باعث افزایش آمار کشته‌ها می‌شود. استفاده نکردن از کلاه ایمنی پر شدت جراحات و مرگ موتورسواران تأثیر زیادی دارد. آمار تصادفات موتورسیکلت‌نگران کننده است. آمارهایی که هر سال با روند صعودی روبه‌روست. در سال ۹۸ بیش از ۳ هزار و ۳۰۰ موتورسوار در تصادفات جان خود را از دست دادند که ۳۹۳ نفر از این آمار دانش‌آموز بودند. آمار که نشان می‌داده به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، چهار موتورسوار در کشور جان خود را از دست داده‌اند. این درحالی است که سال گذشته هم، تهران در صدر آمار مرگ راکبان موتوری قرار داشته است. ۳۲۱ موتورسیکلت‌سوار تهرانی از ابتدای سال ۹۸ تا پایان اسفندماه سال ۹۸ در تصادفات جان خود را از دست دادند. شهری که پس از مرگ موتورسوارانش حتی در شماره‌گذاری موتورسیکلت هم خودنمایی می‌کند. شماره‌گذاری ۲ میلیون موتور تا سال گذشته در تهران باعث شد که این شهر به عنوان پایتخت موتورسیکلت‌ها لقب بگیرد. این درحالی است که شمار موتورسیکلت‌ها در کشور تا سال گذشته ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه بود. موتورهایی که در پایتخت هم‌جان می‌ستانند هم، به وفور شماره‌گذاری می‌شوند.

موتورسیکلت‌هایی که تا چندین پیش خیلی ارزان به فروش می‌رسید، به دلیل قدرت مانور بالا و فضای کمی که هنگام پارک و توقف نیاز دارند، مورد استقبال رانندگان قرار گرفته‌اند. البته هستند کسانی که به دلیل محدودیت تردد مثل طرح ترافیک به موتورسیکلت‌گراییش پیدا

